

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قلمرو حقیقت شرعیہ
وضع احکام و ألفاظ شرعیہ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى عَجَلِ مُحَمَّدٍ

عنوان مقاله:

قلمرو حقیقت شرعیه
(وضع أحكام و ألفاظ شرعیه)

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

قلمرو حقیقت شرعیه چیست؟
مستندات دال بر این مطلب چه می باشد؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»^۱؛

همان دینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم، و آنچه را که به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه نکنید.

حقیقت شرعیه

بیان شد که آیه ۱۳ سوره مبارکه شوری دلالت بر شریعت واحد نزد خداوند متعال می‌کند؛ یعنی از زمانیکه قلم بر لوح، ما کان و ما هو کائن را إلى یوم القیامه نگاشت، همه تشریح (مشمول بر کلیه ألفاظ شرعیه) همانجا مکتوب گردید و سپس به جمیع انبیاء عرضه شد تا آنرا به عباد الله ابلاغ نموده و آنان را به دین واحد دعوت نمایند.

بنابراین از دیگر دلالت های آیه مبارکه، تصریح به قلمرو تشریح و مبدأ آن از ابتدای خلقت است. به عبارت دیگر، تمام احکام و ألفاظ شرعیه چون صلاة، صیام، زکاة، حج و... از ابتدا الی یوم القیامه برای همان معنای حقیقی خود که خداوند متعال وضع کرده، استفاده می‌شوند.

یعنی معنای جمیع آن الفاظ شرعیه از همان زمانیکه قلم به امر الهی آنها را در لوح ثبت کرد تا الان و إلى یوم القیامه واحد است، نه چیزی به آن حقایق اضافه شده و نه چیزی از

^۱ . سوره مبارکه شوری، آیه ۱۳



آن کم شده، بلکه بدون هیچ تغییری باقیمانده و این معنای صحیح «حقیقت شرعیه» است.

بنابراین، اینکه توهم شده است که الفاظ شرعیه مثل صلاة، نخست در معنای دعا، و سپس در زمان خاتم الأنبياء (صلی الله علیه و آله و سلم) یا حتی بعد آن به معنای حقیقی خود (یعنی صورت عبادی خودش) منتقل شده، بی اساس است. چرا که براساس آیه مبارکه و تفاسیر ذیل آن و نیز با استفاده از اخبار و روایات دیگر، محرز است که تشریح و حقائق شرعیه از همان ابتدا وضع و سپس به انبیاء عرضه و ابلاغ شده است، و در زمان ائمه اطهار (علیهم السلام) که معلم، هادی و مبین کلام الله می باشند، وجوه و ابعاد وسیع و کثیر این حقائق شرعیه برای خلق، به مرور زمان واضح می شود.

أهم مستندات

علاوه بر منطوق آیه ۱۳ سوره مبارکه شوری و تفاسیر ذیل آن، آیات و روایات بسیاری بر اثبات این مطلب دلالت می کند که "أحكام و الفاظ شرعیه از همان ابتدای خلقت در معنای حقیقی خود وضع شده و بر همان اساس، تعلیم داده شده است". در ذیل به مهمترین این مستندات اشاره ای خواهیم داشت:

• روزه

آیه ۱۸۳ سوره مبارکه بقره می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ»؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته (مقرر) شده، همان گونه که بر اُمم گذشته و قبل از شما مقرر و لازم شد.



روزه از احکام و الفاظ شرعیه، به معنای امساک می باشد. این عمل عبادی همانطور که برای امت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرض شده، در همین معنا بر انبیای گذشته نیز واجب شده بود.

چنانچه در نصّ آیه مبارکه به مکتوب شدن این حکم الهی اشاره شده است؛ "كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ". (كُتِبَ عَلَى) دلالت بر کتاب احکام شرع در لوح محفوظ (مرجه جمیع کتب آسمانی) دارد؛ به این معنا که این حکم شرعی همچون سایر احکام شریعت مقدس، از ابتدا وضع و در همان معنای عبادی خود بکار گرفته می شده است.

اثبات این مطلب، تفسیری از رسول خدا ذیل آیه مبارکه است که فرمودند:

«كَذَلِكَ كَانَ عَلَى آدَمَ، فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى أُمَّتِي»^۲؛

همان روزه ای که بر آدم واجب شده بود، همان را خداوند بر امت من واجب فرمود.

• نماز و زکات

آیه ۳۱ سوره مبارکه مریم می فرماید:

«أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»؛

خداوند متعال تا زنده‌ام، مرا به عبادت نماز و زکات سفارش کرد.

در این آیه شریفه نیز به الفاظ شرعیّه نماز و زکات در شریعت عیسوی اشاره شده، این احکام و الفاظ شرعیه در همان معنای حقیقی خود بکار گرفته شده اند.

اثبات این مطلب، استناد امام صادق (علیه السلام) به این آیه مبارکه در حدیث جلیل القدر ذیل است که از آن حضرت راجع به برترین و محبوبترین چیزی که بندگان به سبب آن می توانند به خداوند عزوجل تقرّب جویند، پرسیدند، و امام فرمودند: پس از معرفت،

۲ . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۱، ص ۱۶۱



چیزی را برتر از نماز نمی دانم، مگر توجه نکرده اید که بنده نیکوکار خداوند؛ عیسی بن مریم گفت: " خداوند متعال تا زنده‌ام، مرا به عبادت نماز و زکات سفارش کرده است "

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَ أَحَبِّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا هُوَ؟ فَقَالَ: مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ أَلَّا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ قَالَ: " وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا"».^٣

• حج

آیه ٢٧ سوره مبارکه حج می فرماید:

«وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَّ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»؛

در میان مردم برای فراخواندن آنان بسوی حج اذان بگو تا پیاده یا سوار بر شتران تکیده از راه‌های دور نزد تو بیایند.

در این مبارکه به لفظ شرعی " حج " که قصد زیارت بیت الله الحرام است، تصریح شده است. و به طور خاص، به زمان نزول امر الهی بر جناب ابراهیم خلیل الرحمان مبنی بر دعوت همه مردم، جهت بجای آوردن اعمال حج اشاره می کند. پس حج نیز مانند سایر الفاظ شرعیه از ابتدا در معنای حقیقی خود استعمال می شده است.

اثبات این مطلب، روایات مفسره ذیل کریمه می باشد که در آنها به جزئیات مناسک حج از تلبیه و ... و حج جناب ابراهیم و اسماعیل با ادای مناسک مربوط به این عمل عبادی اشاره شده است.^٤

٣ . الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٣، ص ٢٦٤

٤ . مراجعه شود به: الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص ٢٠٥ (بَابُ حَجِّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ بِنَائِهِمَا الْبَيْتَ وَ مَنْ وَلِيَ الْبَيْتَ بَعْدَهُمَا)



• سجده

آیه ۳۴ سوره مبارکه بقره می فرماید:

«وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»؛
و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنید، همه سجده کردند، مگر شیطان که سر پیچی کرد و تکبر ورزید و از کافران گردید.

«سجده» از دیگر الفاظ شرعیه ای است که از همان ابتدا بر معنای حقیقی اش (حقیقت شرعیه) یعنی قرار گرفتن پیشانی بر زمین اشاره داشته. حضرت قرآن در اینجا به امر الهی مبنی بر سجده ملائک بر آدم نبی الله تصریح دارد. ملائک می دانستند که برای اطاعت از امر الهی باید پیشانی بر زمین بگذارند؛ یعنی لفظ سجده و معنای حقیقی آن را می شناختند.

این یعنی الفاظ شرعیه از ابتدا دلالت بر معانی حقیقی خود داشتند و این معانی، از همان ابتدا نزد مخلوقین معروف بوده است.

لذا زمانیکه ابلیس لعین در سقیفه ظاهر شد، به صورت پیرمرد سالخورده ای که دارای پینه ای در پیشانی در اثر سجود بوده، رؤیت شد؛ «رَأَيْتُ شَيْخًا كَبِيرًا يَتَوَكَّأُ عَلَىٰ عَصَاهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ سَجَادَةٌ شَدِيدَةٌ التَّشْمِيرِ»، که این پینه ها در اثر سجود بسیار آن لعین در طول هزاران سال عبادتی بوده که بجای آورده بود.^۵

بنابراین در این بررسی، ضمن احراز این حقیقت که شریعت مقدس نزد خداوند متعال واحد و معهود بوده و محکم و حقیقت معنای تشریح (یعنی ولایت آل الله) از ابتدا ابلاغ شده بود، به دست آمد که جمیع اجزای آن شریعت؛ چون احکام و ألفاظش (نماز، روزه، حج و ...) نیز از ابتدا برای معانی حقیقی خود، در لوح محفوظ تثبیت شده و مکتوب بوده است. این دین واحد با همین کیفیت به جمیع انبیای الهی عرضه شده و از آنها عهد گرفته شده تا آن را به اُمم و اقوام خود ابلاغ کرده و تعلیم دهند.

^۵ . کتاب سلیم بن قیس الهملائی، ج ۲، ص ۵۷۹



حال در زمان حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) این شریعت واحد به کمال خود می رسد، زیرا بسیط، ذات و محکم معنای شریعت، در جهر و علن به تمام عباد الله معرفی می شود و بدین ترتیب همگان علم می یابند که حقیقت نماز و روزه و حج و ...، ولایت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می باشد و بدون ولایت ایشان، هیچ عبودیتی محقق نمی شود. چنانچه امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «نَحْنُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»^۶؛ ما بهترین و نیکوترین اسم های الهی هستیم که خداوند تبارک و تعالی عمل بندگان را فقط با معرفت بندگان نسبت به ما می پذیرد.

یافته هایی که ضمن بررسی این مقاله به دست آمد:

- قلمرو شریعت واحدی که از ابتدای خلقت به انبیای الهی ابلاغ شده است، هم مشتمل بر محکم معنای آن یعنی ولایت آل الله بوده و هم شامل جمیع احکام و الفاظ شرعی بوده است.
- در بررسی مستندات از کرائم حضرت قرآن و روایات به دست آمد که نماز، روزه، حج و ... که همگی از احکام و الفاظ شرعی می باشند، از ابتدای خلقت و در زمان انبیاء، در همین معنای حقیقی و مصطلح شرعی خود بکار گرفته می شده است.
- شریعت واحد در زمان خاتم الانبیاء به اتم و اکمل خود می رسد، زیرا در این زمان، بسیط، ذات و محکم معنای شریعت، در جهر و علن به تمام عباد الله معرفی می شود.

^۶ . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۵، ص ۴